



محمد حسن نبوی

#### اشاره

معاون محترم تبلیغ و آموزشهای کاربردی حوزه علمیه قم، حجت الاسلام والمسلمین محمد حسن نبوی در جمع ائمه محترم جمعه، سخنان مهمی در باب ارتباط تبلیغ و وحدت ایراد کرده اند که متن آن سخنرانی را پس از اندکی تصرف طی دو شماره از مجله مبلغان، تقدیم می کنیم.

\* \* \*

#### مقدمه

با عنایت به موضوع بحث که «جایگاه تبلیغ در شکل گیری فرهنگ وحدت» می باشد، لازم است چند مطلب را مورد توجه قرار دهیم:

ابتدا باید بدانیم که تبلیغات در شکل گیری فرهنگها فوق العاده مؤثر است. از اینرو برخی از قدرتها با تبلیغ، فرهنگهای مختلفی را در جوامع، ترویج و یا بر آنها تحمیل می کنند. امروز در دهکده جهانی جنگ تبلیغ و جنگ فرهنگها برپا است. آمریکاییها که در عراق و افغانستان وارد جنگ نظامی شدند از دیوانگی آنهاست. ایران در این دو کشور موفق تر عمل کرده و بسیاری از بزرگان آنها هم به این امر مُدْعِن و معترفند. به دلیل تقارن و نزدیک بودن فرهنگ ایران با این کشورها و توان تعاون و همکاری

خطبه‌های نماز جمعه است. خطبه‌های نماز جمعه در حاشیه تبلیغات نیست بلکه در متن است. دلیل آن این است که اگر ۵۰ مبلغ در روستاهای مختلف مطلبی را مطرح کنند که وحدت‌زا باشد و یک امام جمعه یک مطلبی بگوید که وحدت‌سوز باشد، هرگز آن ۵۰ مبلغ نمی‌توانند این مطلب را جبران کنند. و بالعکس اگر آن طلاب آمدند و در روستاهای خودشان در راستای وحدت خوب عمل نکردند ولی امام جمعه به عنوان محور و قلب مسائل سیاسی شهر، دقیق عمل کرد، بسیاری از آن ضایعات خشتی می‌شود.

#### زمینه‌های تفرقه

زمینه‌های تفرقه چیست؟ اولاً باید بدانیم که زمینه‌های تفرقه در سراسر جهان وجود دارد و منحصر به ملت ایران نیست؛ مثلاً در کشور ما جوک سازی در ایجاد تفرقه مؤثر است. هر شهری را به نحوی به استهزاء می‌گیرند. مثلاً می‌گویند: شیرازیها، اصفهانیا، کردها، ترکها، لرها، یا مشهدیها اینجوری‌اند و تصور می‌کنیم که این مربوط به داخل کشور ماست؛ در حالی که در

فرهنگی، با کم‌ترین بودجه متصور، می‌بینید که در این کشورها موفق است. بنابراین نباید در تأثیر تبلیغ در فرهنگ سازی، تردید کرد.

دیگر آنکه تبلیغ در مسائل سیاسی هم جایگاهش فوق العاده است. تمام تفکرات مختلف الهی یا ماتریالیستی یا سرمایه داری و کاپیتالیستی که در جهان هست، همه در اینکه تبلیغات در معادلات سیاسی جهان فوق العاده جایگاه مؤثری دارد هیچ تردیدی ندارند.

بحث سوم این است که مقوله وحدت هم فرهنگی است و هم سیاسی. پرداختن به وحدت و ایجاد انسجام اسلامی یک تکلیف برای تصحیح فرهنگ و بهترین زمینه برای تثبیت نظام است؛ بنابراین یک مسئله اساسی سیاسی است نه یک مسئله حاشیه‌ای سیاسی.

وحدت مهم‌ترین و کلیدی‌ترین مقوله سیاسی است و در معادلات حفظ نظام سیاسی از جایگاه فوق العاده‌ای برخوردار است. یکی از مهم‌ترین عناصر و جایگاههای تبلیغ،

می‌کند که خیلی از مواقع ائمه جمعه با طرد این احساس می‌توانند جامعه ملت‌هت را آرام کنند.

۹. رانت خواریها یا احساس رانت‌خواری اگر باشد قطعاً زمینه تفرقه است.

۱۰. استبداد به رأی؛ بعضی این باور را دارند که هر چه کار خوب در شهر شود من می‌کنم. عدم مشارکت دیگران در موفقیتها و همیشه مقصر دانستن دیگران در شکستها، زمینه تفرقه است.

۱۱. اطرافیان گاهی زمینه تفرقه هستند. در نهج البلاغه تا حد زیادی امیرالمؤمنین علیه السلام راجع به اطرافیان سفارش دارد که فوق العاده است. اطرافیان چاپلوس نباشند، دروغگو نباشند و مطالب فراوانی از این قبیل.

اطرافیان بایستی افرادی باشند که حوائج مؤمنین را به مسئولین منتقل کنند. یک مسئول باید فردی را در دفترش بگذارد که اگر کسی را دید واقعاً دردمند است و نمی‌تواند نزد امام جمعه مطلبش را بگوید، بیاید به امام جمعه منتقل کند. چه زیباست که آدم به مسئول دفترش سفارش کند که اگر حس کردی به کسی ظلمی شد

کشورهای مختلف، اقوام و قومیت‌های گوناگون همدیگر را مسخره می‌کنند.

همچنین عوامل دیگر تفرقه ساز در کشورهای گوناگون وجود دارد که ما در اینجا آن عوامل را در حد بضاعت ناچیز خود بیان می‌کنیم.

۱. استهزاء گروه‌های اجتماعی؛

۲. زبان گاهی زمینه تفرقه است؛

۳. قومیتها در برخی از مواقع زمینه تفرقه‌اند؛

۴. گاهی در یک قوم، قبائل مختلف زمینه تفرقه هستند.

۵. گاهی در یک محل، پائین و بالا، مسجد جامع و مسجد در حاشیه، مسجد و حسینیه زمینه تفرقه است.

۶. مناطق جغرافیایی زمینه تفرقه است. شمالیها، جنوبیها، ماهی خورها، نان خورها، برنج خورها، کته خورها؛ هر قومی را یک جور، طعنه می‌زنند.

۷. اختلاف طبقاتی زمینه تفرقه است.

بالا شهریها، پائین شهریها، پولدارها، بی‌پولها، بچه مثبتها، از ما بهترها و....

۸. علاوه بر تبعیض، احساس تبعیض نیز در جامعه زمینه تفرقه است. اگر حس کردند تبعیض وجود دارد، تفرقه ایجاد

به امام جمعه ندارند ولی تا یک مشکلی برایشان پیش می‌آید، نزد امام جمعه می‌آیند و از زمین و آسمان سخن می‌گویند. آنها طرف مقابل را بی‌دین و ... معرفی می‌کنند و سعی می‌کنند امام جمعه را تحریک کنند.

مواردی که برشمردیم زمینه تفرقه‌اند و لزوماً به معنای ایجاد تفرقه نیستند. این بسترها اگر مدیریت نشوند ایجاد تفرقه می‌کنند. یکی از مهم‌ترین مسئولیتهای ائمه جمعه کنترل این وضعیتهاست.

### ضرورت تقوی

برای اینکه به بحثهای روایی برسیم اول یک مطلب کلی را عرض می‌کنم. اختلاف هر چه در جامعه افزایش پیدا کند، تقوا کاهش پیدا می‌کند؛ چون زمینه غیبت و تهمت و افترا و بد و بیراه گفتن پدید می‌آید و آبروی مؤمنین را لگد مال می‌کنند. مسائلی از این قبیل ضریب تقوای جامعه را پائین می‌آورد و امام جمعه مسئول افزایش ضریب تقوای جامعه است. اگر امام جمعه در این گردونه اختلافات افتاد بحث بی‌تقوایی در

سریع بیا به من بگو؛ چون ممکن است فردی برای گفتن حرف خود رو به روی من خجالت بکشد صاف حرف بزنند ولی چون بیرون، عمق جاننش را راحت می‌گوید، این خیلی مهم است.

۱۲. عدم سازگاری زمینه تفرقه است.

۱۳. مسئولین شهر در صورت عدم هماهنگی زمینه تفرقه‌اند.

۱۴. احزاب و گروههای سیاسی زمینه تفرقه‌اند.

۱۵. گروههای اجتماعی زمینه تفرقه هستند.

۱۶. تحریک کنندگان زمینه تفرقه هستند. اگر هر چه از این مقوله آخر بگوئیم کم است.

شکست خورده‌های سیاسی، شکست خورده‌های مدیریتی، در زمینه‌های مختلف آخرین سنگری که به دلیل ثبات جایگاه به آن متمسک می‌شوند، امامت جمعه است. چون ائمه جمعه معدل ثبات و پایداری مسئولیت‌هایشان از همه مسئولیتها فی الجمله بیش‌تر است. شاید بعضی از شما چهار دولت را تجربه کرده باشید. آنها در این نوسانات وقتی در اریکه قدرت هستند می‌بینید گاهی هیچ اعتنایی

زیرا جامعه طوری می شود که همه استحقاق عذاب پیدا می کنند. اینکه در خطبه های نماز جمعه این قدر سفارش به امر تقوی شده به خاطر این است که نماز جمعه نقش محوری در افزایش تقوای جامعه داشته باشد.

### اهمیت وحدت

درباره اهمیت وحدت، در اسلام روایات و آیات زیادی داریم که اکنون به بخشی از آنها خواهیم پرداخت.

قرآن مجید می فرماید: ﴿لِنَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذْ خُلُوتُمْ فِي السَّلَامِ كَأَنَّكُمْ لَمْ تَكُنْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ اللَّهِ حُجُوبٌ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾؛<sup>۱</sup> ای مؤمنین! همه در سلیم و سازش وارد شوید و گامهای شیطان را دنبال نکنید که او دشمن مشخص شماست.

پیدااست در مقابل صلح و سازش، این شیطان است که تفرقه ایجاد می کند. سپس قرآن مجید می فرماید:

جامعه به شدت افزایش پیدا می کند و هرچه بیش تر افزایش یابد بانی این امر در و زر و گناه اش شریک خواهد بود.

«مَنْ سَنَّ سُنَّةَ سَيِّئَةٍ فَلَهُ وِزْرٌ مِّنْ عَمَلٍ بِهَا»<sup>۱</sup> کسی که سنت بدی را پایه گذاری کند، گناه کسانی که بدان عمل می کنند برای او خواهد بود.

در مقابل اگر امام جمعه سعی کند ضریب تقوای جامعه افزایش یابد، موجب نزول برکات الهی بر جامعه خواهد بود.

قرآن مجید می فرماید: ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ﴾؛<sup>۲</sup> اگر اهل قریه ها [و شهرها] ایمان آورند و تقوا پیشه کنند، هر آینه برکات آسمانها و زمین را بر آنان نازل می کنیم.

و اگر تقوی کاهش پیدا کرد برکات الهی کاهش پیدا می کند؛ حتی گاهی موجب عذاب برای افراد غیر گناهکار هم خواهد شد.

﴿وَ اتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً﴾؛<sup>۳</sup> «بترسید از فتنه ای که فقط به ظالمهای شما نمی رسد»، گاهی خداوند، تر و خشک را می سوزاند؛

۱. مکاسب محرمة، امام خمینی رحمته الله، مؤسسه اسماعیلیان، قم، ج سوم، ۱۳۶۸ ش، ج ۱، ص ۹۹؛ زبدة البیان، محقق اردبیلی، المكتبة المرتضوية لاحیاء الآثار الجعفرية، تهران، ص ۴۱۸.

۲. اعراف / ۹۶.

۳. انفال / ۲۵.

۴. بقره / ۲۰۸.

«فَإِنْ زَلَلْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمْ الْبَيِّنَاتُ فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»؛<sup>۱</sup> «اگر پس از آنکه دلایل روشن برای شما آمد، لغزیدید، بدانید که خدا عزیز و حکیم است.»

خدا نمی‌خواهد شما دلیل شوید. خداوند عزیز است و عزت مؤمنین را می‌خواهد. خودتان وقتی در سلیم وارد نشدید دلیل می‌شوید.

آنقدر اهمیت وحدت زیاد است که حتی در خوردن، خوابیدن و امثال آن، به گروهی سفارش شده است. پیامبر اعظم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «كُلُّوا جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا فَإِنَّ الْبَرَكَهَ فِي الْجَمَاعَةِ»<sup>۲</sup> با هم غذا بخورید و متفرق نشوید؛ زیرا برکت در جماعت است.»

علت حکم در ذیل روایت آمده است. این تعلیل نشان می‌دهد که در همه جا در جماعت برکت وجود دارد. بعضی استناد می‌کنند به روایت

«اِخْتِلَافُ أُمَّتِي رَحْمَةٌ» اختلاف امت من رحمت است.» بعضی می‌گویند اختلاف به معنای تضارب آراء و امثال اینهاست. ببینیم در لسان امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام این اختلاف به چه معنی

است. راوی می‌گوید به امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام عسررض کردم: «إِنَّ قَوْمًا يَرْزُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اخْتِلَافُ أُمَّتِي رَحْمَةٌ فَقَالَ صَدَقُوا فَقُلْتُ إِنْ كَانَ اخْتِلَافُهُمْ رَحْمَةً فَأَجْمَعُهُمْ عَذَابٌ قَالَ لَيْسَ خَيْثُ تَذَهَبُ وَ ذَهَبُوا إِنَّمَا أَرَادَ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَلَوْ لَا تَفَرَّقَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لَيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لَيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ فَأَمَرَهُمْ أَنْ يَسْفِرُوا إِلَيَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ يَخْتَلِفُوا إِلَيْهِ فَيَتَعَلَّمُوا ثُمَّ يَرْجِعُوا إِلَيَّ قَوْمَهُمْ فَيَعَلِّمُوهُمْ إِنَّمَا أَرَادَ اخْتِلَافَهُمْ مِنَ الْبُلْدَانِ لَا اخْتِلَافًا فِي دِينِ اللَّهِ إِنَّمَا الدِّينُ وَاحِدٌ»<sup>۳</sup> عده‌ای روایت می‌کنند که پیامبر فرمود: اختلاف امت من رحمت است. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند: درست می‌گویند. گفتم: اگر اختلاف رحمت است پس اجتماع امت عذاب است. حضرت فرمودند: اینطور نیست که تو فکر می‌کنی و دیگران فکر

۱. بقره/ ۲۰۹.

۲. بحار الأنوار، علامه مجلسی، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ ق، ج ۵۹، ص ۲۹۱؛ مستدرک سفینه البحار، شیخ علی نمازی، ج ۶، ص ۵۳۲؛ کنز العمال، متقی هندی، ج ۱۵، ص ۲۲۵.

۳. الرسالة السعدیه، علامه حلی، ص ۳۳؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۱، ص ۲۲۷.

مفهوم اولویت اگر ثواب آن بیش تر نباشد کم تر نیست.

حضرت در ادامه می فرماید: وَ عَلَيْنَكُمْ يَا بَنِيَّ بِالْتَّوَّاصِلِ وَ التَّبَادُلِ وَ التَّبَارُّ وَ إِتَاكُمْ وَ التَّقَاطُعِ وَ التَّدَابُرِ وَ التَّفَرُّقِ وَ تَعَاوُنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى وَ لَا تَعَاوُنُوا عَلَى النِّائِمِ وَ الْعُدْوَانِ؛<sup>۲</sup> بر شما باد ای فرزندانم به همگرایی و بخشش و نیکی به یکدیگر و پرهیزید از واگرایی و پشت به یکدیگر کردن و از هم جدا شدن و کمک کنید به همدیگر در نیکی و تقوی، و در گناه و دشمنی به یکدیگر کمک نکنید.»

نتیجه آنکه تعاون بر ایجاد وحدت در جامعه، تعاون بر برّ و تقواست و از مصادیق بارز آن است.

#### عوامل اختلاف در جامعه

از مهم ترین عوامل اختلاف در جامعه «ضعف دین شناسی» است. یکی از آقایان جمله ای را نقل کرده که این جمله

۱. نهج البلاغه، خطب الامام علی عليه السلام، ص ۷۶؛ کافی، شیخ کلینی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چ چهارم، ۱۳۶۵ ه. ش، ج ۷، ص ۵۱؛ من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج ۴، ص ۱۹۰.  
۲. بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۴۲، ص ۲۴۸.

کردند. هر آینه پیامبر صلی الله علیه و آله منظورش قول خداوند عزوجل است: «چرا از هر گروهی عده ای کوچ نمی کنند تا دین را بشناسند و هنگامی که نزد قوم خود باز می گردند آنها را انذار کنند، شاید آنها پرهیز کنند.» پس خداوند آنان را امر فرمود که به سوی پیامبر صلی الله علیه و آله کوچ و رفت و آمد کنند تا دین را شناخته و به سوی قوم خود بازگشته، دین را به آنان بیاموزند. پس خداوند رفت و آمد از شهرها را منظور دارد، نه اختلاف در دین که هر آینه دین یکی است.»

پس معنای «اختلاف امتی رحمت» این است نه اختلاف کردن.

در وصیتی امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا فَاِنَّی سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله یَقُولُ صَلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ اَفْضَلُ مِنْ عَامَةِ الصَّلَاةِ وَ الصِّيَامِ؛<sup>۱</sup> همگی به ریسمان الهی چنگ زنید و متفرق نشوید. هر آینه شنیدم که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: فضیلت اصلاح بین دو نفر از یک سال نماز و روزه بیش تر است.»

پس اصلاح در یک جامعه به

از هم تفکیک نمی‌کند، نمی‌داند، فتنه‌ها از هواهایی که متابعت شود و احکام بدعت‌گذاری شده، آغاز می‌گردد.

«يُخَالَفُ فِيهَا كِتَابَ اللَّهِ يَتَوَلَّى فِيهَا رَجَالٌ رَجَالًا فَلَوْ أَنَّ الْبَاطِلَ خَلَصَ لَمْ يَخْفَ عَلَى ذِي حِجْبِي وَلَوْ أَنَّ الْحَقَّ خَلَصَ لَمْ يَكُنْ اخْتِلَافٌ وَلَكِنْ يُؤَخِّدُ مِنْ هَذَا ضِغْتٌ وَمِنْ هَذَا ضِغْتٌ فَيَمْرُجَانِ فَيَجِيئَانِ مَعًا فَهَذَا لِكَ اسْتِخْوَذَ الشَّيْطَانُ عَلَى أَوْلِيَائِهِ وَنَجَا الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ الْحُسْنَى؛<sup>۱</sup>

در آن فتنه‌ها، با کتاب خدا مخالفت می‌شود، گروهی از گروه دیگر تبعیت می‌کنند. اگر باطل خالص بود برای هر صاحب عقلی چیزی مخفی نمی‌ماند، اگر حق هم خالص می‌شد اختلافی نبود. ولیکن از این مقداری و از دیگری مقداری گرفته با هم مخلوط شده و با یکدیگر می‌آیند. اینجاست که شیطان بر دوستانش مسلط می‌شود. فقط آدمهایی از این معرکه نجات پیدا می‌کنند که مقرر کرده‌ایم به آنها نیکویی کنیم.

گاهی به دوستان طلبه می‌گویم اگر

جالب بود. گفت: اول انقلاب می‌گفتند منافقین التقاطی هستند... ولی اخیراً از بس التقاط فراوان شده دیگر کسی نمی‌گوید التقاطی؛ چون دامنه‌اش گسترده است.

عده‌ای گاهی یک آیه یا یک روایت را بدون دیدن عام و خاص، مطلق و مقید، بدون توجه به جمع دلالی بین روایات مطرح می‌کنند و یا مطلب ضعیفی را می‌گویند. حتی گاهی ترجمه آیه و روایت را هم نمی‌دانند و در بعضی از کتابها می‌بینند، و به عنوان دین ناب برای مردم می‌گویند که بسیار خطرناک است و همینها ایجاد اختلاف می‌کند.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّمَا بَدَأَ وَقُوعِ الْفِتَنِ أَهْوَاءُ تُتَّبَعُ وَأَحْكَامٌ تُبْتَدَعُ؛ فتنه‌ها از تبعیت هواهای نفسانی و بدعت‌های در احکام، نشأت می‌گیرد.»

ریشه فتنه‌ها را اگر می‌خواهید بدانید، اینجاست؛ بدون توجه به آیات و روایات می‌گویند: عقل من این طوری می‌فهمد، مگر عقل مأخذ شناخت دین نیست؟

اصلاً حدود عرصه تعقل و تعبد را

۱. کافی، شیخ کلینی، ج ۱، ص ۵۴؛ میزان الحکمه، محمدی ری شهری، ج ۱، ص ۶۰۱.



داشته که من و پیامبرانم پیروز می‌شویم؛ زیرا خداوند نیرومند و عزیز است.»

در سراسر ایران هر فرقه‌ای که بتواند مرکزیت نظام را تضعیف کند، دشمنان، آن را تقویت می‌کنند. اهل حق، وهابیت، صوفیها، بهائیت، حتی مسیحیان را تقویت می‌کنند. همه اینها به خاطر این است که بتوانند مرکزیت را تضعیف کنند. اخیراً فردی پیدا شده گفته است من خانم موقت امام زمان عجل الله تعالی فرجه هستم، کاری دارید به من بگوئید من به حضرت می‌گویم! مردم ساده لوح هم قبول می‌کنند. باید با اینها مبارزه کرد، ریشه فتنه‌ها را باید اعدام کرد؛ چون قطع بدانید اینها ایادی شیطان‌اند، شیطان هم بزرگ و کوچک ندارد.

برخی بر این باورند که اگر در جامعه یا بین مسئولین تفرقه ایجاد شد، خودشان در سلامت و راحتی می‌مانند، این تفکر استراتژی سیاسی

ما این را قبول کنیم که حرفهای امام صادق علیه السلام بهتر از حرفهای خودمان است، کم‌تر می‌رویم حرف ببافیم؛ ولی مشکل اینجاست که می‌خواهیم نقایص را با عقل خودمان برطرف کنیم. اینجاست که مشکل ایجاد می‌شود. ابی‌بصیر از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند، که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي وَلَا سُنَّةَ بَعْدَ سُنَّتِي فَمَنْ ادَّعَىٰ ذَٰلِكَ فَدَعَاؤُهُ وَبَدْعُهُ فِي النَّارِ فَأَقْتُلُوهُ وَمَنْ تَبِعَهُ فَإِنَّهُ فِي النَّارِ أَيُّهَا النَّاسُ أَخْبُوا الْقِصَاصَ وَأَخْبُوا الْحَقَّ لِصَاحِبِ الْحَقِّ وَلَا تَفَرَّقُوا وَأَسْلِمُوا وَسَلَّمُوا تَسَلَّمُوا كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ»<sup>۱</sup> ای مردم! هیچ پیغمبری بعد از من نخواهد بود؛ هیچ سنتی هم بعد از سنت من نخواهد بود؛ هرکس ادعای پیامبری کرد هم ادعای او و هم بدعت وی در آتش است. و اگر کسی چنین ادعائی کرد اعدامش کنید. افرادی هم که از او متابعت کنند در آتش هستند. ای مردم! قصاص را احیاء کنید؛ حق را برای صاحب حق احیاء کنید و متفرق نشوید. سلامت پیشه کنید، و به آرامش رو کنید تا سالم بمانید. خداوند مقرر

۱. وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، قم، ج اول، ۱۰۴۹ ه. ق، ج ۲۸، ص ۳۳۷ و ۳۳۸.

انگلیسیهاست؛ اما حقیقت این است که در معارف دینی ما عکس این دیده می‌شود. هر چه مسئولین خصوصاً ائمه محترم جمعه و روحانیون تلاش کنند جامعه اصلاح شود و افراد با همدیگر مهربان‌تر باشند، با معارف دینی ما قطعاً سازگارتر است و این طور نیست که دشمنیها دامن ما را هم نگیرد. ممکن است در کوتاه‌مدت خودشان با یکدیگر درگیر شوند؛ ولی در درازمدت تبعات آن دامنگیر ما هم می‌شود. امام صادق علیه السلام فرمودند: «مَنْ زَرَعَ الْعَدَاوَةَ حَصَدَ مَا بَدَّرَ؛<sup>۱</sup> کسی که عداوت بکارد، همان بذر خودش را خواهد چید، (محصول آن همان خواهد بود).» یعنی این طور نیست که فقط دامن دیگران را بگیرد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله راجع به صفات علما در روایتی می‌فرماید: «لَا تَجْلِسُوا عِنْدَ كُلِّ دَاعٍ مُدَّعٍ يَدْعُوكُمْ مِنَ الْيَقِينِ إِلَى الشُّكِّ وَ مِنَ الْإِخْلَاصِ إِلَى الرِّيَاءِ وَ مِنَ التَّوَّاضِعِ إِلَى الْكِبْرِ وَ مِنَ النَّصِيحَةِ إِلَى الْعَدَاوَةِ وَ مِنَ الزُّهْدِ إِلَى الرُّغْبَةِ وَ تَقَرَّبُوا إِلَى عَالِمٍ يَدْعُوكُمْ مِنَ الْكِبْرِ إِلَى التَّوَّاضِعِ وَ مِنَ الرِّيَاءِ إِلَى الْإِخْلَاصِ وَ مِنَ الشُّكِّ إِلَى الْيَقِينِ وَ مِنَ

الرُّغْبَةِ إِلَى الزُّهْدِ وَ مِنَ الْعَدَاوَةِ إِلَى النَّصِيحَةِ وَ لَا يَصْلُحُ لِمَوْعِظَةِ الْخَلْقِ إِلَّا مَنْ خَافَ هَذِهِ الْأَفَاتِ بِصِدْقِهِ وَ أَشْرَفَ عَلَى عُيُوبِ الْكَلَامِ وَ عَرَفَ الصَّحِيحَ مِنَ السَّقِيمِ وَ عِلَّلَ الْخَوَاطِرَ وَ فَتَنَ النَّفْسَ وَ الْهَوَى؛<sup>۲</sup> نزد هر مدعی دعوت کننده‌ای که شما را از یقین به شک می‌خواند ننشینید. کسی که شما را از اخلاص به ریاکاری می‌خواند، را از اخلاص به ریاکاری می‌خواند. کسی که شما را از تواضع به کبر می‌خواند کنارش ننشینید. به جای خیرخواهی شما را به دشمنی فرا می‌خواند. و از کسی که شما را از بی‌رغبتی به دنیا به دلبستگی به آن فرا می‌خواند دوری کنید. به عالمی نزدیک شوید که شما را از کبر به تواضع و از ریا به اخلاص و از شک به یقین و از دنیاگرایی به زهد و از دشمنی به خیرخواهی می‌خواند؛ برای موعظه مردم صلاحیت ندارد مگر کسی که از

۱. الکافی، شیخ کلینی، ج ۲، ص ۳۰۲؛ وسائل الشیعه، حر عاملی، ج ۱۲، ص ۲۳۹؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۷۰، ص ۱۰۹.

۲. بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۲، ص ۵۲؛ میزان الحکمه، محمد ری شهری، ج ۴، ص ۳۶۹۱؛ الجزیه و احکامها، علی اکبر کلانتری، ص ۴۹.

پرده‌های سیاسی این تفکرات غافل می‌کند هر کسی که شمارا از یقین به شک می‌خواند و خیلی هم پرمده‌عاست، کنار او ننشیند.

بعضی از آدمها اهل آمار دادن هستند. وقتی آدم کنارشان بنشیند یاد می‌گیرد که مدام آمار بدهد. اخلاص خمیر مایه دنیای روحانیت است، خواه کسی فعالیت روحانی بفهمد یا نفهمد. خیلیها به دنبال این هستند که کارهای مثبت خود را مخفی کنند و این متأسفانه بسیار کم رنگ شده است.<sup>۱</sup>

بعضیها هستند که وقتی آدم زاهدانه زندگی می‌کند مدام انسان را به میل به دنیا و دل‌بستگی به دنیا می‌خوانند، کنار اینها ننشینید بلکه «و تَقَرَّبُوا إِلَىٰ عَالِمٍ». عجیب اینست در قبلی این طور بود که؛ «لَا تَجْلِسُوا عِنْدَ كُلِّ دَاعٍ؛ کنار ادعا کننده ننشینید.» به او عالم نگفت ولی در بخش دوم می‌فرماید: «به عالمی نزدیک شوید که شمارا از کبر به تواضع و از ریا به اخلاص و از شک به یقین و از دنیاگرایی به زهد و از دشمنی به خیرخواهی می‌خواند.»

این آفات به درستی بترسد و بر عیوب سخن، اشراف داشته باشد و صحیح را از خطا بشناسد و از بیماریهای درون و فتنه‌های نفس و هواها آگاه باشد.»

پلورالیسم، نسبییت معرفت و... همه در نهایت به ریب و شک ختم می‌شود و اگر جامعه‌ای نسبت به اعتقادات و بنیانهای فکری اش ریب و شک داشت برای ریب جان نمی‌دهد بلکه برای ایمان جان می‌دهد. مقاله‌ای نوشتم تحت عنوان «کاسه‌های فلسفی و نیم کاسه‌های سیاسی» که خیلی از تفکرات فلسفی که در برهه‌ای از زمان در جامعه پمپاژ شد، نیم کاسه سیاسی زیرش بود. آنها طرح یک بحث فلسفی نبود. موتور جنگ ایمان بود و متأسفانه گاهی از مواقع دوستان به خیال اینکه یک تفکر فلسفی است با نگاه فلسفی به مقابله اش برخواستند؛ در حالی که بحث فلسفی را هم باید جواب داد؛ ولی واقعاً این طرح یک بحث فلسفی بود بلکه اهداف سیاسی زیر آن بود. خیلی از مواقع حرفهای کلامی در قالب تفکر مُرجئه زمان بنی امیه رشد می‌کند، چرا؟ به خاطر آنکه مرجئه طرز تفکری است که بنی امیه را تثبیت می‌کند. نگاه کلامی انسان را از پشت

۱. «الإخلاص بیرونی من أشراری استودعته قلب من أخینک من عبادی.»